

مقدمه

خانواده به عنوان ساختاری در برابر جامعه، از هویت ویژه‌ای برخوردار است. (روزن باوم، ۱۳۶۷، ترجمه مهدوی) چنین هویتی در پدیده‌هایی نظیر نظام ارتباطی میان اعضای خانواده، انس و الفت، آرمان‌های مشترک زندگی و احساس همدلی و همدردی، قابل مشاهده و ارزیابی است. نظام ارتباطی «خانواده» به منزله یک نهاد اجتماعی از یک سو و «معنویت» به عنوان موضوعی قابل اعتنا از سوی دیگر، محور اصلی این

معنویت در خانواده امروز

دکتر محمدرضا شرفی



مقاله محسوب می‌شود. با این توضیح که چنین رابطه‌ای در شرایط فرهنگی و اجتماعی معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مقاله حاضر، ابتدا نگاهی اجمالی به وضعیت خانواده در عصر کنونی داریم و پس از آن به بیان برخی راهکارهای پیش‌نهادی برای حل معضلات موجود می‌پردازیم.

معنویت چیست؟

در تعریف معنویت، می‌توان چنین گفت:

(۱) نوعی باور و رویکرد به جهان هستی که براساس آن یک روح مطلق و باکرامت بر پهنه هستی حاکمیت دارد.
(۲) احساس بامعنا بودن جهان هستی، حیات انسان و رابطه انسان و جهان، به گونه‌ای که بتوان تفسیری معنوی از جهان ارائه کرد.

این گونه به نظر می‌رسد که تعریف دوم، منتج از تعریف اول است، زیرا هستی زمانی بامعناست که تحت سیطره قدرتی مطلق و بی‌کران، اداره شود و انسان در دامن این هستی از جایگاهی رفیع و ارزشمند برخوردار باشد و وجهی مشترک میان خود و هستی بیابد. به عنوان نمونه در دین مبین اسلام، انسان و هستی هر دو تسبیح گوی حق تعالی هستند (آملی، ۱۳۶۱، ص ۲۳۵) و از این رو دارای وجه مشترک‌اند.

چالش‌های فراروی خانواده

نگاهی گذرا به موقعیت خانواده در عصر حاضر، مبین این واقعیت است که چالش‌هایی جدی و مهم در برابر سازمان خانواده وجود دارد که حل آن‌ها نیازمند اراده ملی و در سطحی فراتر از آن، نیازمند عزم یک پارچه جهانی است. برخی از این چالش‌ها، عبارت‌اند از:

– تبدیل شدن خانه‌ها به خوابگاه‌ها (اسپاک، ۱۳۵۹، ترجمه ابرامی)، به معنای کاهش ارتباط‌های عاطفی، روحی و کلامی میان دو نسل والد و فرزند، به گونه‌ای که در مواردی ارتباط کلامی والدین با فرزندان به هشت دقیقه در شبانه روز کاهش یافته است. (پژوهشی درباره برخی خانواده‌های ژاپنی)
– فاصله میان نسل‌ها که در مواردی به گسست نسل‌ها و بعضاً به تضاد نسل‌ها نیز منجر شده است. (شرفی، ۱۳۸۲)

– فرار دختران و پسران خانواده از خانه با توجه به این واقعیت دردناک که شماری از آن‌ها هرگز به خانه بر نمی‌گردند.
– کاهش میل به زندگی، که در صورت لاینحل ماندن آن،

احتمال بروز مواردی نظیر فکر خودکشی یا اقدام به خودکشی نیز چندان بعید نخواهد بود.

– رشد مصرف داروهای روان گردان و اعتیاد به مواد مخدر در میان نوجوانان و جوانان.

– ظهور و رشد پدیده تکنوپولی^۱ به معنای عقب نشینی فرهنگ از برخی ارزش‌هایش در مقابله با تکنولوژی. (پستمن، ۱۳۷۵، ترجمه طباطبایی)

– سلطه تربیت رسانه‌ای (به معنای تحت نفوذ قرار گرفتن

فعالیت‌های خانه و مدرسه به وسیله رسانه‌ها و رایانه‌ها)

– بحران هویت،^۲ که خود مواردی نظیر اختلال هویت و فقدان هویت را نیز شامل می‌شود.

– رشد میزان افسردگی در گروه‌های سنی نوجوان، جوان و میانسال و نظایر آن. یک بررسی اجمالی حاکی از آن است که فصل مشترک غالب پدیده‌های مذکور، فقدان معنویت است. این موارد، تنها بخشی از دردها و دغدغه‌هایی است که خانواده‌ها، فرزندان و روابط آنان را تهدید می‌کند.

راهکارهای تقویت معنویت در خانواده

در مواجهه با چالش‌های جدی خانواده‌ها در عصر حاضر، می‌توان در جست‌وجوی شیوه‌هایی برآمد که با تقویت معنویت در نهاد خانواده به ترمیم و تقویت پیوندهای درون خانواده نیز منجر شود. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- تقویت پیوند والدین با معنویت

بر مبنای اصل همانندسازی فرزندان با والدین و توجه به این واقعیت که همانندسازی همچون یک نیاز اساسی روحی و روانی فرزندان را از درون برمی‌انگیزد تا در صدد ایجاد و طراحی شخصیتی برآیند که به نوعی در انطباق با نسل بالغ ولی مورد قبولشان باشد، والدینی که بتوانند الگویی مناسب از معنویت را، چه در بعد گفتار و چه در بعد رفتار، در خانواده ارائه دهند، فرزندان‌شان در صورت اعتماد به والدین، تلاش خواهند کرد تا از طریق همانندسازی با آنان، زمینه‌های معنوی‌شان را نیز با والدین تطابق بخشند.

در این زمینه باید به این واقعیت نیز اشاره کرد که لازمه همانندسازی با والدین، ایجاد اعتماد است. چنان‌چه والدین قادر باشند اعتماد مورد نیاز را بر روابط خود و فرزندان‌شان حاکم کنند، با مشکل چندانی در این زمینه مواجه نخواهند شد.

به والدین پیش نهاد می شود به برخی از راه کارهای اعتماد سازی که ذیلاً بدان ها ارائه می شود، بیش تر توجه کنند:

۱-۱ «التزام علم و عمل»: به این مفهوم که آن چه به فرزندان به صورت شفاهی و کلامی توصیه می کنند، در مقام عمل نیز پای بند و ملزم به آن باشند و در نگاهی عمیق تر به مسئله، سعی کنند مقدم بر گفتار، به وسیله رفتار خویش، عملاً به فرزندان خود بیاموزند، زیرا فرزندانمان بیش از گفتار ما، از رفتارمان می آموزند.

بر اساس یک آموزه دینی که از کلام بزرگان به ما رسیده است: «مردم را به طریقی غیر از زبانتان (به وسیله عملتان) به سوی خیر، دعوت کنید.» (کونوا دُعاةً للناس بالخییر بغیر السنتکم، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۵).

روحی میان دو نسل (والد - فرزند) گسترش و تعمیق یابد، گامی در جهت رشد و درک متقابل آنان محسوب می شود. فرزندان نیز متقابلاً با پاسخ مثبت دادن به تلاش های صادقانه والدین برای ارتباط مؤثر و کارآمد، قادرند تصویری مطلوب از خویشتن در باور والدین بیافرینند که حاصل آن رشد روزافزون درک متقابل نسل ها خواهد بود.

۲- تبیین آثار معنویت در زندگی

آموزش زندگی توأم با معنویت، بخشی از وظایف والدین نسبت به فرزندان محسوب می شود. امروزه در اکثر جوامع پیشرفته، آموزش مهارت های زندگی یکی از وظایف نهادها و مراکز مرتبط با خانواده به شهروندان محسوب می شود. این قبیل آموزش ها که غالباً با حمایت سازمان ملی و تربیتی یونسکو همراه

برخی از والدین از تمایل جدی برای درک و شناخت فرزندان شان برخوردارند و این تمایل را از طریق توسعه دنیای ارتباطی خود با آنان بروز می دهند. بدیهی است هر اندازه ارتباط کلامی و مناسبات روحی میان دو نسل (والد - فرزند) گسترش و تعمیق یابد، گامی در جهت رشد و درک متقابل آنان محسوب می شود.

است، شامل سلسله مباحثی است که خانواده ها را در ایفای وظیفه شهروندی یاری می کند. خانواده ها نیز متقابلاً وظیفه آموزش مهارت های زندگی و شهروندی را در قبال فرزندان شان انجام می دهند. از جمله این مهارت ها، تبیین آثار معنویت در زندگی است. والدین می توانند چنین آموزشی را به صورت بررسی مقایسه ای بین دنیای معنوی و حیات مادی برای فرزندان ترتیب دهند. شایسته ذکر است که چنین آموزشی باید به شیوه ای جذاب، روان و قابل فهم صورت گیرد تا مورد اقبال فرزندان واقع شود. نکته ای که در توجیه چنین شیوه ای قابل بیان است، تمایل درونی و جدی نوجوانان و جوانان به آشنایی با تأثیر شیوه های مختلف زندگی است که از جمله شامل زندگی معنوی و آثار آن نیز می باشد. لذا بر اساس این واقعیت، چنین روشی برای تقویت بنیاد خانواده، مفید و مؤثر تلقی می شود.

۲-۱ «انجام تعهدات منطقی»: پاره ای از خواست ها و انتظارات فرزندان از والدین در حوزه «منطق» و «امکان» می گنجد. به این معنا که این نوع خواست ها هم منطقی اند و هم والدین می توانند آن ها را برآورده کنند. والدینی که هوشمندانه با تأمین به موقع خواست های فرزندان، این قبیل تعهدات را به خوبی انجام می دهند، در چشم و دل فرزندان خود، اعتبار بالایی کسب می کنند که یکی از نشانه های آن، جلب اعتماد فرزندان به خویش است.

۳-۱ افزایش توانایی درک و فهم متقابل: برخی از والدین از تمایل جدی برای درک و شناخت فرزندان شان برخوردارند و این تمایل را از طریق توسعه دنیای ارتباطی خود با آنان بروز می دهند. بدیهی است هر اندازه ارتباط کلامی و مناسبات



۳- معرفی الگوها و اسطوره‌های معنوی و اخلاقی

نیاز به تعالی و کمال^۳ در وجود کودکان، نوجوانان و جوانان، آنان را برمی‌انگیزد تا به هر طریق ممکن خود را به قله‌های اعتلا و بالندگی برسانند. بدیهی است آنان که قله‌های کمال را نشانه می‌روند، از قله نشین‌ها نیز غافل نیستند، بلکه غالباً بر آنان متمرکزند. یعنی قهرمانان و الگوهای برجسته در عرصه‌های اخلاق و معنویت را هم چنان در شعاع نگاه خویش قرار می‌دهند و به آنان می‌اندیشند، قهرمانانی که تنها به فرهنگ، ملت یا قومی خاص تعلق ندارند، بلکه آنان متعلق به جهان بشری‌اند. صرف نظر از افراد معدودی که از طریق خلاقیت، به شخصیت خویش شکل داده، آن را قوام می‌بخشند، سایر انسان‌ها از طریق الگوپذیری از قهرمانان بزرگ تاریخ بشری به تکوین شخصیت خویش اهتمام می‌ورزند و در صورتی که میان خود و انسان‌های بزرگ و برجسته مورد احترام خویش، فصل مشترک‌هایی مشاهده کنند، پدیده الگوپذیری با عمق و قوت بیش‌تری تحقق می‌یابد.

بر این اساس، چنان‌چه ادبیات ملی و جهانی، که مشتمل بر زندگی‌نامه الگوها و اسوه‌های اخلاق و معنویت است، به شکلی جذاب و آموزنده به فرزندان ارائه شود، آنان قادرند بخشی از

هویت خویش را در الگوها و اسطوره‌های مورد نظرشان بیابند؛

سهم خانواده‌ها و اولیای مدارس در معرفی و ارائه الگوها و اسطوره‌های راستین و برجسته به نوجوانان و جوانان، غیرقابل مقایسه با نهادها و مراکز تربیتی دیگر است و غالباً آثار آن ماندنی و پابرجا خواهد بود. قابل ذکر است که چنین روشی در برخی مکاتب تربیتی نظیر ایدئالیسم^۴ و پایدارگرایی^۵ نیز مورد توصیه است. هاچینس^۶ (۱۹۷۷-۱۸۹۹) به عنوان یک نظریه‌پرداز پایدارگرا معتقد است که شاگردان مدارس باید حداقل به مطالعه یک صد جلد از آثار برجسته و شاهکارهای ادبیات ملی و جهانی اهتمام ورزند تا بتوانند درکی جامع و عمیق از جهانی که در آن زندگی می‌کنند داشته باشند. (نلر، ۱۳۵۶، ترجمه بازرگان) و به تعبیر افلاطون از این طریق بتوانند با روح مطلق جهان، پیوند برقرار نموده، نوعی پیوند میان خود (جزء) و جهان هستی (کل) ایجاد کنند. (گونگ، ۱۳۸۲، ترجمه پاک سرشت)

۴- معنویت، پاسخ‌گوی نیازها

والدین و فرزندان، یک سلسله نیازهای مشترک روحی و روانی دارند. والدین ابتدا مایل‌اند خود راهی برای پاسخ‌گویی به

این نیازها بیابند و در ضمن تمایل دارند که برای فرزندانشان و تأمین نیازهایشان نیز طریقی روشن و مطمئن اتخاذ کنند. این واقعیت‌ها در یک سوی قضیه وجود دارد و در آن سوی قضیه، واقعیت دیگری به نام معنویت مطرح است که به لحاظ ماهیت خود، قادر است به این نیازها پاسخ دهد. در صورتی که والدین بین معنویت و نیازهای مذکور رابطه مورد نظر را بیابند، ابتدا برای خود آنان، آرامش بخش خواهد بود، زیرا قادرند بر زندگی‌شان مسلط شوند و علاوه بر آن، چنانچه به فرزندان خود تفهیم کنند که معنویت قادر است به نیازهایی از قبیل خودشکوفایی،^۷ جست‌وجوی فلسفه ارضاکننده زندگی و نیز امنیت، پاسخ‌های مناسب ارائه دهد، در ایفای وظیفه خویش موفق جلوه خواهند کرد. به عنوان مثال، چنانچه نوجوانان و جوانان از این واقعیت آگاهی یابند که جهانی که در آن زندگی می‌کنند، هدفمند، قانونمند و با معناست، در آن صورت، انگیزه کافی برای به کارگیری توان خود به منظور نیل به بالندگی در چنین جهانی، خواهند یافت.

۵- تعدیل و کنترل تربیت رسانه‌ای

در عصر حاضر، رسانه‌ها بیش از حد متعادل در زندگی کودکان، نوجوانان و جوانان نفوذ کرده و عواملی نظیر تربیت رسمی (مدرسه‌ای) و تربیت خانوادگی را تحت الشعاع قرار داده‌اند. برخی آمارها مؤید آن است که رسانه‌ها و رایانه‌ها به مراتب بیش از مدرسه و خانواده، نسل نوپا را از نظر کمی و کیفی مورد هجوم قرار می‌دهند، به گونه‌ای که غالباً فرصت برخورد

منتقدانه را از ایشان سلب کرده، آنان را به حالتی منفعلانه در برابر پیام‌های رسانه‌ای می‌کشاند. والدین و اولیای مدارس قادر خواهند بود با برنامه‌ریزی مناسب که شامل آموزش شیوه‌های بهره‌گیری صحیح از رسانه‌هاست، فرزندان را از آسیب‌های مورد انتظار، مصونیت بخشند و فرصتی به آنان دهند تا با بهره‌گیری از قدرت تفکر و آموزش زمینه‌ها و عناصر معنوی، زندگی را از دریچه‌ای متفاوت ملاحظه و تجربه کنند.

۶- هماهنگی خانه و مدرسه در امور فوق برنامه^۸

بخشی از رسالت خانواده‌ها در ایجاد زمینه‌های معنوی، به نوع و میزان هماهنگی آن‌ها با مدارس در امور فوق برنامه بستگی دارد. به ویژه آن قسمت از فعالیت‌های فوق برنامه که از محتوا و ساختار اخلاقی و معنوی برخوردار است، گفتنی است که در مقایسه با برنامه رسمی مدارس، فعالیت‌های فوق برنامه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا اولاً ماهیت فوق برنامه از تنوع بیش‌تری برخوردار است، ثانیاً جنبه انتخابی و گزینشی دارد. یعنی دانش‌آموزان براساس علاقه و میل شخصی‌شان، در فعالیت‌های فوق برنامه مشارکت می‌کنند و ثالثاً فوق برنامه نسبت به برنامه، ماهیت ترمیمی و تکمیلی دارد، به این معنا که آن چه در قالب و نظام برنامه رسمی نمی‌گنجد، در فوق برنامه، جایی مناسب برای خود می‌یابد.

۷- طبیعت، زمینه معنویت

طبیعت در عین حال که زیبا و جذاب است، آیتی از آیات و جلوه‌های الهی نیز محسوب می‌شود. این نکته قابل توضیح است که زندگی در کلان شهرها به مرور زمان ارتباط انسان‌ها و به ویژه کودکان و نوجوانان را با طبیعت گسیخته است و نوعی احساس دوری از طبیعت و غربت و بیگانگی ناشی از آن ایجاد کرده است. در نتیجه نشاط و شادابی لازم را از آنان سلب نموده است. براساس یک آموزه دینی در اسلام، «انسان موجودی است که از خاک روییده است و پس از پایان زندگی در خاک خواهد آرمید و در روز رستاخیز نیز از خاک برمی‌خیزد»^۹، این آموزه مبین این نکته است که انسان به لحاظ قربت و پیوند با طبیعت، نوعی احساس انس میان خود و طبیعت می‌یابد، حال چنانچه انس با طبیعت را نقطه آغاز



جذایبیت و ماهیت پررمز و رازی برخوردارند که کودکان، نوجوانان و جوانان را مسحور خود می‌سازد. والدین با تنظیم برنامه مناسب برای همراهی فرزندان خود در بازدید و مشاهده این بناهای با شکوه دینی، زمینه انس و آشنایی با معنویات را برای فرزندانشان فراهم می‌کنند.

ارتباط انسان با او تلقی کنیم و در امتداد زندگی، مطالعه طبیعت به مثابه آیتی از قدرت الهی در نظر گرفته شود،^{۱۰} حاصل آن، درک عالم هستی به عنوان مجموعه‌ای مشحون از آیات الهی خواهد بود و تأمل و مطالعه در آن به نوعی تفسیر معنوی از دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، منجر خواهد شد و این امر به نوع نگرش به طبیعت و هستی بستگی خواهد داشت.

فهرست منابع:

- ۱- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷): خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه دکتر محمد صادق مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۱): تفسیر موضوعی قرآن، جلد اول.
- ۳- اسپاک، کاترین، (۱۳۵۹): پرورش فرزند در عصر دشوار ما، ترجمه هوشنگ ابرامی، تهران، نشر صفی علیشاه.
- ۴- تازه‌های مدیریت، پژوهشی درباره برخی خانواده‌های ژاپنی.
- ۵- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲): گسست نسل‌ها، مجموعه مقالات، پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی.
- ۶- بستمن، نیل، (۱۳۷۵): تکنوپولی، ترجمه دکتر صادق طباطبایی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۷- نلر، جرج اف، (۱۳۵۶): آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه دکتر فریدون بازرگان، تهران انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- گوئگ، جرالدا، ال، (۱۹۹۷): مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه دکتر محمد جعفر پاک سرشت (۱۳۸۲)، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- جیمز، ویلیام، (۱۳۵۰): دین و روان، ترجمه مهدی فائزی، انتشارات دارالفکر.

۸- شیوه مقابله با سختی‌ها

والدینی که با اتکا به معنویات، قادرند در مواجهه با سختی‌ها، خویشتنداری کنند و مقاوم باشند، به‌طور عینی و مستقیم بر فرزندان خود و تقویت معنویت آنان تأثیر می‌گذارند. این قبیل والدین به دلایلی قادرند فرزندان را از حیث معنویت تحت تأثیر قرار دهند، زیرا:

اولاً انسان‌های آکنده از معنویت از آرامشی برخوردارند که محصول یاد خداست.^{۱۱} این ویژگی بعضاً در چهره‌هایشان نیز قابل مشاهده است و این امر از دید فرزندان پنهان نخواهد ماند. دوم این که انسان‌های معنوی، دنیا را به گونه‌ای متفاوت از دیگران مشاهده و تجربه می‌کنند. به گفته ویلیام جیمز^{۱۲}، اندیشمند مکتب پراگماتیسم،^{۱۳} در نظر انسان‌های موحد، چهره دنیا فرق می‌کند، (جیمز، ۱۳۵۰)، لذا مسائلی که برای برخی افراد مصیبت تلقی می‌شود، در نظر این گونه انسان‌ها، رویدادی در کنار سایر رویدادهای زندگی محسوب می‌گردد و این امر موجب می‌شود که تعادل خود را از دست ندهند و به تزلزل روحی دچار نگردند.

هم‌چنین، اعتقاد به معنویت، احساس مسئولیت آدمی را در قبال زندگی، انسان‌ها و آینده آن‌ها افزایش می‌دهد. به همین سبب، والدین معنوی نسبت به فرزندان و آینده‌شان، احساس مسئولیت قوی‌تری دارند و می‌کوشند به طریقی به نیازهای معنوی آنان پاسخی مطمئن و مقتضی ارائه دهند. به گفته نیچه، آن کس که بداند چرا زندگی می‌کند، قادر است با هر چگونه‌ای بسازد و این امر در نهایت با ظهور مکاتبی نظیر مکتب سوم روان‌درمانی دین یا لوگوتراپی^{۱۴} و ویکتور فرانکل^{۱۵} قابل توضیح خواهد بود که در جای خود باید به آن پرداخت.

۹- آشنایی با نهادها و بناهای با عظمت و پرشکوه دینی

بناها و ساختمان‌های عظیم و کهن دینی که میراث نسل‌های پیشین بوده و نشانگر مکان‌های مقدسی است که آنان در این گونه مراکز با خداوند ارتباط برقرار می‌کرده‌اند، از قداست،

پی‌نوشت‌ها:

- 1- TECHNOLOGY
- 2- IDENTIFICATION
- 3- NEED FOR PERFECTION
- 4- IDEALISM
- 5- PERENNIALISM
- 6- ROBER MAYNARD HUTCHINS
- 7- SELF - ACTUALIZATION
- 8- EXTRACURRICULAR
- ۹- منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارةً آخری. (سوره طه، آیه ۵۵)
- ۱۰- افلم ينظروا الی السماء فوقهم کیف بیناها و زیناها. (سوره ق، آیه ۶)
- ۱۱- الذین آمنوا وطمئن قلوبهم بذكر الله. الا بذکر الله تطمئن القلوب. (سوره رعد، آیه ۲۸)
- 12- WILLIAM JAMES
- 13- PRAGMATISM
- 14- LOGOTHERAPY
- 15- VICTOR FRANKLE